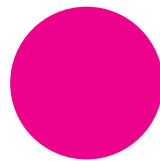




حوزه و قلم ز اسلامی



از منظر آیت الله اعرافی

سید جواد میرخلیلی^۱

درآمد

رسالت اصلی حوزه‌های علمیه، بازسازی تمدن اسلامی است؛ بنابراین حوزه علمیه به عنوان یکی از مراکز مؤثر در تبلیغ و ترویج دین، همواره کانون توجه بوده است. در دوران معاصر با چالش‌های فراوانی که وجود دارد، به جرأت می‌توان ادعا کرد رسالت اصلی و محوری حوزه‌های علمیه، حرکت در جهت تمدن‌سازی اسلامی است، که از این مسیر می‌تواند نقش بالنده و مؤثر خود را که در طول تاریخ توسط علمای بزرگ تا به این جا رسیده است، استمرار بخشد. در این نوشتار، دیدگاه‌های آیت الله اعرافی که از حیث علمی و اجرایی نقش مؤثری در ایفای رسالت مهم حوزه بر عهده دارد، در جهت رسالت حوزه‌های علمیه و بازسازی تمدن اسلامی بازخوانی کنیم.

در عرصه بین‌الملل، نیازمند یک سلسله اموری است که مسلمانان باید به آن توجه داشته باشند؛ یعنی نخست، باید تفکر و تمدن اسلامی متناسب با زمان و با حفظ اصالت‌های دینی بازسازی شود. دیگر این که در کنار بازسازی تفکر و تمدن اسلامی، امت اسلامی نیازمند وحدت است. ما تمدن اسلامی را فراتر از تمدن اقلیمی تصور می‌کنیم. این تمدن در هر اقلیمی و با هر فرهنگی، قابلیت برقراری ارتباط را دارد و می‌تواند پیامش را به همه فرهنگ‌ها منتقل سازد.

● منظر سوم) اهمیت بازسازی تمدن اسلامی در رفع مشکلات جهان

تحولات جهان غرب در دو سده اخیر، برای بشر، دستاوردهای مهم و مثبتی به همراه داشته؛ ولی مشکلات، ضعف‌ها و کاستی‌های جدی نیز به دنبال آن ایجاد شده است. در برابر تمدن غرب، تمدن اسلامی قرار دارد که با ابتدای بر وحی الهی می‌تواند نیازهای گوناگون جامعه بشری را برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی فراهم کند؛ چراکه در اسلام، پیام‌های ارزشمندی وجود دارد که انسان امروزی می‌تواند آن را مغتنم بشمارد و از آن بهره‌برداری کند؛ برای نمونه، یکی از چالش‌های بسیار مهم، خلأ معنوی است که با اندیشه و تفکر ناب

الف) ضرورت بازسازی تمدن اسلامی

آیت‌الله اعرافی، ضرورت بازسازی تمدن اسلامی را از دیدگاه‌های مختلفی بررسی می‌کند، که در ادامه این نوشتار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

● منظر اول) ضرورت بازسازی تمدن اسلامی برای مقابله با تهاجم تمدن غرب

در جهان معاصر، تحولات دنیای غرب، بر همه جهان تأثیر گذاشته و تمدن غرب با کمک همین تحولات، به سرعت فرهنگ و اندیشه خود را در نقاط گوناگون دنیا گسترش داده است. در این شرایط، فقط فرهنگ‌ها و تفکراتی می‌توانند به بقای خود ادامه دهند که در برابر این تحولات، موضع فعالی داشته باشند؛ بنابراین، تمدن غرب در سده‌های اخیر از شکوفایی و پیشرفت‌های خوبی برخوردار بوده است؛ ولی مسلمانان

باید موضع مناسبی در برابر آن داشته باشند. همان‌طور که تعصبات بی‌جا و کور در برابر نوآوری‌های دنیا کار درستی به حساب نمی‌آید، منفعل بودن در برابر تحولات جدید نیز موضع‌گیری درستی محسوب نمی‌شود.

● منظر دوم) اهمیت بازسازی تمدن اسلامی برای فعال شدن جهان اسلام

فعال‌بودن جهان اسلام

در جهان معاصر، تحولات دنیای غرب، بر همه جهان تأثیر گذاشته و تمدن غرب با کمک همین تحولات، به سرعت فرهنگ و اندیشه خود را در نقاط گوناگون دنیا گسترش داده است. در این شرایط، فقط فرهنگ‌ها و تفکراتی می‌توانند به بقای خود ادامه دهند که در برابر این تحولات، موضع فعالی داشته باشند.

اسلامی می‌توان به این نیاز پاسخ گفت. این نیاز به معنویت و دین در دوره اخیر تا جایی پیش رفته که موج بازگشت به دین و معنویت در بسیاری از مناطق جهان شکل گرفته است. این امر، موقعیت مناسبی است تا مسلمانان با بازسازی تمدن اسلامی، انسان‌ها را به مسیر صحیح زندگی بازگردانند.

● **منظر چهارم) وجود ظرفیت تمدن‌سازی در میان امت اسلامی**

مسلمانان با سرمایه‌های خود می‌توانند به سمت ایجاد تمدن جدید اسلامی گام بردارند و نقش بسیار مهمی در دنیای امروز ایفا کنند. ما از یک سو معارف ژرف و اندیشه‌های ناب اسلامی را در کتاب و سنت داریم که این منابع برای دنیای امروز هم، پیام‌ها و نکته‌های نوانسان‌ساز دارند؛

از طرف دیگر، تاریخ نشان می‌دهد که مسلمانان چه در کشورهای اسلامی و چه در کشورهای غیر اسلامی، همواره در طول سده‌های متمادی، نقش بارزی در تولید علم داشته و پیش‌تاز علم و اندیشه بوده‌اند؛ بنابراین با مطالعه تمدن اسلامی و خدمات عظیم آنان به جامعه بشری، متوجه می‌شویم که مسلمانان از یک میراث تاریخی غنی برخوردارند و امروز هم می‌توانند آن میراث را متناسب با جهان

معاصر بازسازی کنند و جایگاه متعالی اسلام و مسلمانان در تمدن بشری را از نو احیا کنند؛ البته بازسازی تمدن اسلامی و احیای آن، نیازمند تدبیر، عقل، اندیشه و برنامه‌ریزی است و بدون تلاش‌های بی‌وقفه و وحدت امت اسلامی، امکان‌پذیر نمی‌باشد.

● **منظر پنجم) گرایش‌های مختلف برای بازسازی تمدن اسلامی**

گرایش‌های متعدد و مختلفی برای بازسازی تمدن اسلامی و احیای مجدد اسلام و مسلمانان در جهان اسلام وجود داشته است که در میان آن‌ها گرایش‌های افراطی و تفریطی نیز به چشم می‌خورد، که یک دسته، مجد و احیای اسلام و تمدن اسلامی را ذوب‌شدن در تمدن غربی می‌دانسته و دسته‌ای دیگر، به تجارب دنیای امروز بی‌اعتنا بوده‌اند. معمولاً برای احیای تمدن اسلامی؛ باید هم بر میراث و اصالت خود، اعتماد و آن را باور کنیم و هم به تجارب مثبت بشری توجه و عنایت داشته باشیم. جمع میان اصالت و عصری‌شدن و سنت و تمدن جدید، نیازمند دقتی فوق‌العاده و آگاهی و هوشیاری فراوانی است. در این زمینه، نقش علما و روشنفکران و متفکران جهان اسلام، نقش ممتازی به نظر می‌رسد.

تحوّلات جهان غرب در دو سده اخیر، برای بشر، دستاوردهای مهم و مثبتی به همراه داشته؛ ولی مشکلات، ضعف‌ها و کاستی‌های جدی نیز به دنبال آن ایجاد شده است. در برابر تمدن غرب، تمدن اسلامی قرار دارد که با اکتفا به روحی الهی می‌تواند نیازهای گوناگون جامعه بشری را برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی فراهم کند؛ چراکه در اسلام، پیام‌های ارزشمندی وجود دارد که انسان امروزی می‌تواند آن را مغتنم بشمارد و از آن بهره‌برداری کند.

جهان اسلام معرفی کرده است که آثار و متون مهمی در حوزه‌های فقه، کلام، فلسفه، حدیث و سایر علوم اسلامی از خود به جای گذاشته‌اند، نیز مکاتب مهم فلسفی، عرفانی، فقهی و حدیثی در همین حوزه‌ها متولد شده و رشد یافته‌اند که ما امروزه از این میراث بزرگ، استفاده می‌کنیم.

● ۲. تأکید بر تفکر عقلانی در نظام آموزشی و تربیتی حوزه‌های علمیه

امروزه نظام آموزشی و تربیتی حوزه علمیه ضمن تأکید بر کتاب، سنت و منابع اصلی معرفت دینی، به یک تفکر عقلانی و منطقی و فلسفی قوی برای دفاع از اسلام توجه می‌کند؛ از این رو فلسفه اسلامی در قم مورد توجه خاص است. از طرف دیگر، در حوزه علمیه این اعتقاد وجود دارد که مسلمانان بدون آشنایی عمیق با فلسفه‌ها و اندیشه‌های غربی و نقد عالمانه آن‌ها نمی‌توانند نقش خود را باز یابند و به همین علت، حوزه‌های علمیه به فلسفه‌ها و اندیشه‌های جدید غربی و نقد آن‌ها توجه خاصی می‌کنند.

● ۳. ورود موفق حوزه‌های علمیه به عرصه علوم انسانی و اجتماعی

حوزه‌های جدید علوم انسانی با دین و معارف دینی تماس جدی دارند و اسلام در حوزه‌های گسترده‌ای از علوم انسانی و اجتماعی؛ همچون اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مانند آن که حامل فرهنگ غربی هستند، از نظریات جدی برخوردار است. براساس این دیدگاه، در

ب) ظرفیت تمدن‌سازی حوزه‌های علمیه

پس از بحث ضرورت بازسازی تمدن اسلامی که جزو رسالت‌های حوزه به شمار می‌رود، پرداختن به ظرفیت‌های تمدن‌سازی حوزه‌های علمیه، حائز اهمیت می‌نماید. از نگاه آیت‌الله اعرافی، در طول تاریخ، مدارس علمی و مراکز دینی شیعه و مذاهب دیگر، نقش مهمی در احیای اسلام و گسترش تمدن و معارف اسلامی داشته‌اند. حوزه قم در ادامه این حرکت، به خصوص در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، توجه ویژه‌ای به گسترش معارف اسلامی و علوم و اندیشه اسلامی داشته است؛ بنابراین، ظرفیت حرکت برای احیای تمدن اسلامی، در حوزه‌های علمیه وجود دارد. ایشان برای این ادعا، دلایل و شواهدی ذکر می‌کند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

● ۱. بهره‌مندی حوزه‌های معاصر از تراث حوزه‌های علمیه گذشته

حوزه علمیه قم از میراث غنی و کهن حوزه‌های به هم پیوسته در تاریخ اسلام نشئت می‌گیرد و در نیم سده اخیر، شاهد شکوفایی فراوان در عرصه‌های علمی، اجتماعی و سیاسی بوده است. حوزه قم از حوزه نجف، بغداد، حله و بسیاری از حوزه‌های دیگر اسلام نشئت گرفته است؛ همچنان که حوزه‌های علمیه در طول سده‌های گذشته، عالمان و متفکران ارزشمند و کارشناسان بسیاری را در رشته‌های علوم اسلامی به

قم به صورت گسترده به حوزه علوم انسانی و اجتماعی با نگاه اسلامی پرداخته شده و امروزه رشته‌های متعددی در اقتصاد، مدیریت، تاریخ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی با نگاه اسلامی پایه‌ریزی شده و در این زمینه، تحقیقات جدیدی صورت گرفته و نشریاتی منتشر شده است که یکی از ممیزات نظام آموزشی و برنامه‌ریزی جدید حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود.

● ۴. تأکید بر ضرورت اتحاد امت اسلامی

نژاد، زبان و مذهب از واقعیت‌های موجود در میان مسلمانان است؛ ولی اسلام، گوهری فراتر از این‌ها دارد و مشترکات اسلامی، آن قدر وسیع و گسترده است که

می‌تواند همه امت اسلامی را، هم متحد کند و هم مسلمانان را در یک مسیر قرار دهد؛ بنابراین، حوزه‌های علمیه بر ضرورت همبستگی و اتحاد امت اسلامی که فراتر از مرزهای نژادی و زبانی و مذهبی است تأکید می‌کنند؛ در این زمینه، علمای شیعه و اهل سنت می‌بایست با فقه، حدیث و کلام یکدیگر آشنا شوند، تا این آشنایی فکری، دل‌ها را به هم نزدیک‌تر سازد. امروز عالمان دین و همه حوزویان می‌بایست به بُعد علمی و

● گرایش‌های متعدد و مختلفی برای بازسازی تمدن اسلامی و احیای مجدد اسلام و مسلمانان در جهان اسلام وجود داشته است که در میان آن‌ها گرایش‌های افراطی و تفریطی نیز به چشم می‌خورد، که یک دسته، مجد و احیای اسلام و تمدن اسلامی را ذوب‌شدن در تمدن غربی می‌دانسته و دسته‌ای دیگر، به تجارب دنیای امروز بی‌اعتنا بوده‌اند. معمولاً برای احیای تمدن اسلامی؛ باید هم بر میراث و اصالت خود، اعتماد و آن را باور کنیم و هم به تجارب مثبت بشری توجه و عنایت داشته باشیم. جمع میان اصالت و عصری شدن و سنت و تمدن جدید، نیازمند دقتی فوق‌العاده و آگاهی و هوشیاری فراوانی است.

● معرفتی جوانان و نسل آینده بپردازند؛ نیز اخلاق اسلامی و روح همبستگی اسلامی را در ملت‌ها و جمعیت‌های اسلامی تقویت کنند. حوزه‌های علمیه باید این نگاه‌ها و اصول را سرلوحه کار خویش قرار داده و تمدن اسلامی را به جهانیان معرفی کنند.

● ۵. نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با تجارب تازه و بازسازی روشمند خود

با توجه به تراث عظیمی که حوزه‌های علمیه از آن برخوردار هستند و اهتمام حوزه‌های علمیه به همبستگی و اتحاد اسلامی، ظرفیت بازسازی تمدن اسلامی در حوزه‌های علمیه وجود دارد و می‌توان چشم انتظار طلوع دوباره تمدن اسلامی در سراسر جهان بود؛ البته تحولات جدید، گسترش و انفجار اطلاعات، مخاطرات فزاینده دنیای جدید و دگرگونی‌های بین‌المللی، حوزه را وادار می‌کند تا ضمن صیانت از اصالت خود و پاسداری از سنت‌های دیرین و ارزشمند و میراث گرانبهای حوزه و سلف صالح، به آشنایی با تجارب جدید و بهره‌گیری از روش‌ها و شیوه‌های نو بازسازی و نوسازی قاعده‌مند و اصولی خود بپردازد و خود را برای حضور در میدان‌های

شیعه و سنی است؛ البته باید این وحدت بر پایه‌های روشن، ثابت، اصیل و درست مبتنی شود. وحدت هنگامی می‌تواند کارساز و مؤثر باشد که بر اساس یک منشور مشخص و قواعد معین و کاملاً شفاف مبتنی شود؛ بدین ترتیب، نقش حوزه‌های علمیه و علمای امت اسلامی در این فرایند بسیار مهم است و حوزه‌های علمیه نمی‌توانند از این وظیفه مهم غافل شوند.

در ادامه به طور عینی و عملی و مصداقی وارد بحث نقش حوزه‌های علمیه در عرصه تمدن‌سازی می‌شویم.

● امروزه نظام آموزشی و تربیتی حوزه علمیه ضمن تأکید بر کتاب، سنت و منابع اصلی معرفت دینی، به یک تفکر عقلانی و منطقی و فلسفی قوی برای دفاع از اسلام توجه می‌کند؛ از این رو فلسفه اسلامی در قم مورد توجه خاص است. از طرف دیگر، در حوزه علمیه این اعتقاد وجود دارد که مسلمانان بدون آشنایی عمیق با فلسفه‌ها و اندیشه‌های غربی و نقد عالمانه آن‌ها نمی‌توانند نقش خود را باز یابند و به همین علت، حوزه‌های علمیه به فلسفه‌ها و اندیشه‌های جدید غربی و نقد آن‌ها توجه خاصی می‌کنند.

(د) نقش حوزه انقلابی در عرصه تمدن‌سازی

آیت‌الله اعرافی بر این باور است که نگاه تمدنی از مهم‌ترین بایسته‌های حوزه انقلابی است. اولین بایسته حوزه انقلابی، رویکرد تمدنی است؛ چراکه در منظومه فکری رهبر انقلاب و امام و بزرگان حوزه، مقوله تمدنی بودن نگاه ما به اسلام بیان شده است. تمدنی بودن و تمدنی‌اندیشیدن به این معنی است که شریعت و معارف اسلامی تمام شئون زندگی انسان و فرد و جامعه را در بر گرفته است؛ انقلاب اسلامی که از قم برخاست و جهانی را به نور خود روشن کرد و به این نگاه ناظر

جدید و پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوپیدا و ایفای نقش علمی و فرهنگی کارساز در همه صحنه‌ها آماده کند؛ در واقع، رقابت‌های فکری، فرصت‌ها و تهدیدات جهانی و اشتیاق و آمادگی بین‌المللی، حوزه را به آمادگی بیشتر برای برنامه‌ریزی جهانی و هم‌اوردی علمی و اثرگذاری فرهنگی ترغیب می‌کند.

(ج) شرایط بازسازی تمدن اسلامی

با توجه به ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و همچنین بحثی که در رابطه با ظرفیت‌های حوزه علمیه در تمدن‌سازی

شد، نیاز است که مقدمات و لوازم این امر بررسی و شرایط لازم آن فراهم شود؛ البته بازسازی یک تمدن، نیاز به مقدمات فراوانی دارد؛ ولی با توجه به شرایط کنونی جامعه و امت اسلامی، دو شرط اساسی برای تحقق این امر نیاز است که عبارت‌اند از: وحدت امت اسلامی و بیداری متفکران جهان اسلام و دستیابی آن‌ها به اصولی در تفکر و شناخت دنیای جدید و منابع و اصول اساسی دین. یکی از شرایط بازسازی تمدن اسلامی و بازگشت به جایگاه متناسب در فرهنگ امروز، وحدت امت اسلامی و تعامل علمای

و مجهز بود. حوزه انقلابی اثرگذار، تمدن‌ساز، شجاع و مطالبه‌گر است. حوزه انقلابی در تمام لایه‌های تمدنی نقش‌آفرین و اثرگذار است؛ در واقع حوزه انقلابی، اثرگذار، تمدن‌ساز، شجاع و مطالبه‌گر است؛ حوزه انقلابی دارای معیارها و شاخص‌هایی است و دفاع از گفتمان انقلاب اسلامی از جمله این شاخص‌ها است. حوزه باید بتواند نقش انقلابی خود را به خوبی ایفا کند و از بنیان‌های علمی، معرفتی و گفتمانی انقلاب اسلامی در مقام دفاع برآید.

هم‌چنین مهم‌ترین رسالت حوزه‌های علمیه دفاع از زیرساخت‌های فکری و عقیدتی اسلام ناب است. حوزه پاسخ‌گوی نیازها بوده و در تدوین تمدن اسلامی نقشی مهم دارد، حوزه به شرط این که سبک و سیاق عالمانه، حکیمانه، زاهدانه و شجاعانه داشته باشد، می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. ایشان معتقد است ما به دنبال حرکت به سمت تمدن اسلامی هستیم و در این مسیر دشواری‌های زیادی وجود دارد، نیز اقداماتی صورت گرفته است؛ ولی هنوز فاصله زیادی تا قله رفیع تمدن‌سازی داریم و باید با رویکردی همه‌جانبه در این مسیر قدم بگذاریم. گفتمان انقلاب اسلامی در

یکی از شرایط بازسازی تمدن اسلامی و بازگشت به جایگاه متناسب در فرهنگ امروز، وحدت امت اسلامی و تعامل علمای شیعه و سنی است؛ البته باید این وحدت بر پایه‌های روشن، ثابت، اصیل و درست مبتنی شود. وحدت هنگامی می‌تواند کارساز و مؤثر باشد که بر اساس یک منشور مشخص و قواعد معین و کاملاً شفاف مبتنی شود؛ بدین ترتیب، نقش حوزه‌های علمیه و علمای امت اسلامی در این فرایند بسیار مهم است و حوزه‌های علمیه نمی‌توانند از این وظیفه مهم غافل شوند.

حوزه‌های فکری مورد هجوم تفکرات دیگر است و باید با تفکر انقلابی در مواجهه با این هجمه‌ها برآییم.

حوزه‌های علمیه برای نقش‌آفرینی در تمدن‌سازی اسلامی، چند نقش و کارکرد اساسی و عمده بر عهده دارند که در ادامه به آن‌ها به طور اجمال پرداخته می‌شود.

۱. نقش تبلیغی و هدایتی

از زمان حضرت آدم تا امروز، یک مسیر ثابت توحیدی پایه‌ریزی شده است که در طول آن، انبیا و اولیای الهی حافظ این مسیر بوده و بعد از

انبیا و اولیا نیز این مسیر ثابت را حوزه‌های علمیه صیانت و تقویت کرده‌اند. در تمامی این ادوار، انبیا و اوصیای ایشان و پس از آن، علمای دین به تبلیغ و ترویج آئین توحید پرداخته‌اند و این امر برای رسیدن به هدف خلقت تا آخر ادامه خواهد داشت؛ بنابراین در مرحله اول، انبیا و در مرحله دوم، امامان و در مرحله سوم، ولایت و مرجعیت، زعامت امور را بر عهده گرفته و جامعه را هدایت و حفاظت کرده‌اند. در حال حاضر، عالمان و نهادهای دینی، وظیفه نشر معارف الهی و اندیشه‌های توحیدی را بر دوش دارند و باید انسان‌ها را با این ذخایر معنوی، دستاوردهای وحیانی و گنجینه منابع اسلامی و مکتب پرافتخار و

در فرهنگ اسلامی و شیعی کشور ما بر جای مانده‌اند و پرورش نیروی انسانی برای ملت‌ها و فرهنگ‌ها، مهم‌ترین راه و ریشه‌ای‌ترین حرکت حوزه‌های علمیه است.

● ۲. نقش اخلاقی و تربیتی

روحانیون و حوزه‌های علمیه، وارث خط تاریخی هدایت و قلب تپنده برای سعادت بشر به شمار می‌روند و باید نسل جوان و مردم را با هدایت در مسیر اعتقادی و دینی به رشد و شکوفایی برسانند. از آن‌جا که حوزه‌های علمیه اساس اخلاق و تربیت هستند، باید طلاب و روحانیون که در پایگاه اسلام و سنگر دین حضور دارند، از آثار و برکات دعا و راز و نیاز و عبودیت خدا بیشتر بهره‌مند شوند.

● ۳. نقش تحقیقی و اجتهادی

ائمه اطهار و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام در عصر خود، حوزه‌های علمیه را پایه‌ریزی و شاگردانی تربیت کردند. در دوران غیبت حضرت ولی عصر علیه‌السلام مسئولیت و رسالت حفظ معارف اهل بیت علیهم‌السلام و پاسداری از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به صورت مستقیم بر دوش علما و حوزه‌های علمیه شیعه قرار گرفت.

در ذیل این بحث، آیت‌الله اعرافی به ضرورت و شاخص‌های اجتهاد تمدن‌ساز

غرور آفرین اهل بیت علیهم‌السلام که گوهرهایی گرانبها و پیام‌هایی نو، ارزشمند و مورد نیاز جهان و بشر امروزی است، آشنا کنند؛ از این رو وظیفه و مأموریت ذاتی حوزه و مهم‌ترین رسالت آن، نشر و گسترش و صیانت از خط اعتقادی شیعی و معارف اهل بیت علیهم‌السلام است که این امر نیز فقط با تقویت اراده و عملکرد مناسب روحانیت تحقق پیدا می‌کند.

از سوی دیگر بحث تربیت و پرورش انسان‌های متعهد و متخصص با توجه به شرایط کنونی و اهداف تمدن اسلامی است یک امر ضروری محسوب می‌شود. این ضرورت از یک سو به اهداف متعالی تمدن اسلامی و اهمیت وحدت در میان مسلمانان پیوند می‌خورد و از طرف دیگر، با توجه به بهره‌گیری تمدن غرب از انسان‌های معتقد به

آرمان‌های غرب برای رسیدن به اهداف استعماری اهمیت پیدا می‌کند.

در پرتو خیزش مجدد مسلمین و انقلاب شکوهمند اسلامی، حوزه‌های علمیه می‌بایست به ریشه‌ها بازگردند و در این عرصه به پرورش نیروی انسانی و عالمان و متخصصان آشنا به زمان و آگاه به فرهنگ اصیل اسلامی و شیعی بپردازند؛ بنابراین، توجه به سابقه ارزشمند حوزه‌های شیعه و شخصیت‌ها و ستاره‌های درخشانی که

مهم‌ترین رسالت حوزه‌های علمیه دفاع از زیرساخت‌های فکری و عقیدتی اسلام ناب است. حوزه پاسخ‌گویی نیازها بوده و در تدوین تمدن اسلامی نقشی مهم دارد، حوزه به شرط این‌که سبک و سیاق عالمانه، حکیمانه، زاهدانه و شجاعانه داشته باشد، می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند.

پرداخته و معتقد است برای موفقیت در الگوبرداری به وسیله فقه اسلامی؛ باید از یک سو بر اساس تجربه‌های جدید و پرسش‌های نوری جامعه بشری، ابوابی جدید در فقه ایجاد شود تا بتواند پاسخ‌گوی نیازهای جدید باشد و از سوی دیگر باید به توسعه و تعمیق ابعاد اجتهاد نیز توجه خاص شود؛ چراکه اسلام، همه ابعاد بشری را پوشش می‌دهد و اجتهاد در اسلام، یک امر عقلی و استدلالی است و اگر بخواهیم به سمت الگوسازی حرکت کنیم، نیاز به اجتهاد دقیق‌تر با تنبه بیشتر داریم.

او معتقد است فقه، عامل و پیش‌نیاز اصلی حوزه در عرصه شکوفایی تمدن نوین اسلامی و ساختمانی رفیع در اندیشه دینی و به طور قطع، دارای ظرفیت تمدنی است که با بهره‌گیری از این ظرفیت، حوزه‌های علمیه می‌توانند نظام بشری را بیش از پیش سامان بخشند و خلأهای زندگی بشر را از میان بردارند. این ظرفیت فقه در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌خوبی نمایان است.

با وجود استحکام دستگاه اجتهادی حوزه و ضرورت استمرار آن، کاستی‌هایی در این عرصه، وجود دارد که باید شناخته و مرتفع شوند تا بتوان

به سوی ایجاد اجتهاد تمدن‌ساز حرکت کرد. در حال حاضر، استخراج احکام در فقه با نگاه موضوع‌شناسی کار نشده است و از این جهت، علم اصول به پالایش و گسترش نیاز دارد؛ بنابراین، برای تقویت ایده فقه تمدن‌ساز باید علم اصول را بازسازی کرد، نیز با توجه به کاستی‌های فراوانی که در زمینه نظام‌سازی در فقه وجود دارد، نیاز است که در جهت نظام‌سازی اجتهادی قدم برداریم. تکمیل اجتهاد در اخلاق نیز گام مهم دیگری در اجتهاد تمدن‌ساز محسوب می‌شود. گسترش اجتهاد ناظر به توصیفات اسلام، گام دیگری در اجتهاد تمدن‌ساز است. اگر اجتهاد در این زمینه و منظومه‌سازی و نظام‌سازی آن‌ها وارد شود، نتایج بسیار خوبی

به همراه خواهد داشت.

امتداد تفکر فلسفی اسلامی، گام مهم دیگری برای کسب اجتهاد تمدن‌ساز است؛ البته این تفکر اسلامی امتدادهایی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی دارد و به اجتهاد فلسفی و فلسفه الهی‌مان نیاز داریم.

گام بعدی در خصوص اجتهاد تمدن‌ساز مربوط به فناوری‌هایی؛ همچون هنر و معماری است که محصول دانش و تجربه‌های بشری

در پرتو خیزش مجدد مسلمین و انقلاب شکوهمند اسلامی، حوزه‌های علمیه می‌بایست به ریشه‌ها بازگردند و در این عرصه به پرورش نیروی انسانی و عالمان و متخصصان آشنا به زمان و آگاه به فرهنگ اصیل اسلامی و شیعی بپردازند؛ بنابراین، توجه به سابقه ارزشمند حوزه‌های شیعه و شخصیت‌ها و ستاره‌های درخشانی که در فرهنگ اسلامی و شیعی کشور ما بر جای مانده‌اند و پرورش نیروی انسانی برای ملت‌ها و فرهنگ‌ها، مهم‌ترین راه و ریشه‌ای‌ترین حرکت حوزه‌های علمیه است.

نگاه تمدنی تلاش کنند.

نکته دیگر این که او معتقد است بهره‌گیری از سایر معارف اسلامی در بازسازی تمدن اسلامی ضرورت دارد؛ برای نمونه، عرفان اسلامی که از علوم پیشرفته حوزوی محسوب می‌شود و معارف والای عرفانی موجود در ادعیه و مناجات، پاسخ مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) به نیازهای روحی و معنوی انسان هستند. در کنار این علوم، سایر معارف اسلامی؛ از قبیل: تفسیر، حدیث و اخلاق نیز از امتیازات ویژه‌ای برخوردار هستند و بدون تردید، اگر این ذخایر معنوی و معرفتی به عالم عرضه شود، استقبال زیادی از آن‌ها به عمل خواهد آمد.

هـ) مراحل بازسازی تمدن اسلامی درون حوزه

از نگاه آیت‌الله اعرافی، جهت‌گیری‌های کنونی در حوزه علمیه به سمت بازسازی تمدن اسلامی است و درون مکتب اسلام هم این ظرفیت وجود دارد؛ ولی این تمدن‌سازی کار دشواری است و پایه‌ریزی یک تمدن نو که عاقلانه و سنجیده با همه محصولات بشری مواجه شود و همه را در یک چارچوب و نظام منسجم الهی قرار دهد، حداقل چهل یا پنجاه سال طول می‌کشد؛ از این‌رو،

است و باید مناسباتی بین تولید این‌ها و ارزش‌های اسلامی وجود داشته باشد. گام مهم دیگر مربوط به نرم‌افزارهای کاربردی در زندگی است که با نام سبک زندگی از آن‌ها یاد می‌شود و اجتهاد ما باید این زمینه‌ها را نیز در بر بگیرد.

ضرورت همراه‌سازی فقه در بازسازی تمدن اسلامی

یکی از نکات مهمی که آیت‌الله اعرافی در این‌جا به آن توجه دارند، بحث ضرورت همراه‌سازی فقه در بازسازی تمدن اسلامی است. فقه دارای ظرفیت تمدنی و عامل پیش‌نیاز اصلی حوزه برای شکوفاکردن تمدن نوین اسلامی و ساختمانی رفیع در

اندیشه دینی است؛ ولی در این زمینه نباید از خلأهای موجود غافل بود؛ از جمله این خلأها می‌توان نیاز شدید به ابداع عرصه‌های نو در فقه، برش‌زدن به فقه در عرصه‌های مورد نیاز - که در این عرصه شهید صدر یک نمونه و الگو به شمار می‌رود - هم‌چنین نظام‌سازی بر اساس فقه و گسترش رویکرد تمدنی به فقه اشاره کرد، نیز اخلاق و علوم انسانی و اجتماعی، دو حوزه دیگری است که حوزه‌های علمیه باید برای گسترش علمی این حوزه‌ها در

● برای تقویت ایده فقه تمدن‌ساز باید علم اصول را بازسازی کرد، نیز با توجه به کاستی‌های فراوانی که در زمینه نظام‌سازی در فقه وجود دارد، نیاز است که در جهت نظام‌سازی اجتهادی قدم برداریم. تکمیل اجتهاد در اخلاق نیز گام مهم دیگری در اجتهاد تمدن‌ساز محسوب می‌شود. گسترش اجتهاد ناظر به توصیفات اسلام، گام دیگری در اجتهاد تمدن‌ساز است. اگر اجتهاد در این زمینه و منظومه‌سازی و نظام‌سازی آن‌ها وارد شود، نتایج بسیار خوبی به همراه خواهد داشت.

کاری بسیار زمانبر، دشوار و حساس است. این تمدن‌سازی باید از درون حوزه بجوشد و در کنار نقش اساسی حوزه در این امر، دانشگاه‌ها و هم‌چنین دستگاه‌های اجرایی باید با این رویکرد وارد صحنه شوند.

در یک نگاه کلی می‌شود مراحل حرکت به سمت تمدن‌سازی اسلامی را به دو بخش تقسیم نمود:

● مرحله اول) استکشاف اندیشه‌های دین و ایجاد سامانه معارف دینی

یک بخش این حرکت، بخش پایه‌ای و زیرساختی آن است که در آن، باید اندیشه‌های دینی از متون و منابع دینی

حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های امروز جهان اسلام برای پایه‌ریزی نهضتی علمی و جهش به سمت تولید علم و نوآوری بر پایه بنیادهای اسلامی و دینی به بازشناسی خورشیدهای منظومه امامت و رهبری، نیاز مبرم دارند. باید معارف دینی در حوزه‌های فلسفی، اخلاقی و فقهی استخراج و استکشاف و نگاه‌های دین به پرسش‌های مختلف مشخص و این نتایج در قالب یک سامانه ریخته شود. طراحی این سامانه، که بزرگانی؛ همچون شهید صدر، پیش‌قراول آن بودند. یک کار کاملاً حوزوی است. باید در این نهاد انجام شود.

استخراج و استکشاف و منظم شوند، تا شرایط ایجاد سامانه معارف دینی فراهم شود. به بیان دیگر، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام الگو، نماد و پیشوای یک نهضت علمی و فرهنگی و معرفتی در یک دوره حساس تاریخ اسلام هستند که با وجود اندیشه‌های تابناک و معارف پرفروغ ایشان، جهان علم و معرفت و اخلاق و فرهنگ، روشن و نورانی شد.

حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های امروز جهان اسلام برای پایه‌ریزی نهضتی علمی و جهش به سمت تولید علم و نوآوری بر پایه بنیادهای اسلامی و دینی به بازشناسی خورشیدهای منظومه امامت و رهبری، نیاز مبرم دارند. باید معارف دینی در حوزه‌های فلسفی، اخلاقی و فقهی استخراج و استکشاف و نگاه‌های دین به پرسش‌های مختلف مشخص و این نتایج در قالب یک سامانه ریخته شود. طراحی این سامانه، که بزرگانی؛ همچون شهید صدر، پیش‌قراول آن بودند. یک کار کاملاً حوزوی است. باید در این نهاد انجام شود.

● مرحله دوم) نفوذ معارف نظام‌مند دین در همه عرصه‌های زندگی

دومین مرحله کلان تمدن‌سازی، ورود اندیشه، فکر و معارف نظام‌مند دین در همه عرصه‌های زندگی بشر است. در این مرحله هم حوزه باید ورود پیدا کند و هم نظام اجرایی کشور باید فهم دقیقی از این

زندگی بشر ظهور و بروز پیدا کرد و به جزء لاینفک آن‌ها تبدیل گشت؛ برای مثال، این بروز تمدنی در رشته‌هایی مانند معماری و سبک زندگی بسیار واضح است و دامنه آن تا علوم انسانی و حتی علوم پایه و علوم فنی و مهندسی غرب نیز گسترش یافته است. در بازسازی تمدن اسلامی نیز این امر صادق است؛ به گونه‌ای که تمام سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای زندگی باید تحت

تأثیر آن نگاه بنیادین اسلام قرار بگیرد تا شرایط شکل‌گیری تمدن اسلامی فراهم شود؛ از این رو تمدن‌سازی اسلامی، فرایندی زمانبر و بسیار گسترده است که فقط با همکاری نهادهایی مانند حوزه، دانشگاه و نظام مدیریت اجرایی و سیاست‌گذاری کشور میسر است.

● در بازسازی تمدن اسلامی نیز این امر صادق است؛ به‌گونه‌ای که تمام سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای زندگی باید تحت تأثیر آن نگاه بنیادین اسلام قرار بگیرد تا شرایط شکل‌گیری تمدن اسلامی فراهم شود؛ از این رو تمدن‌سازی اسلامی، فرایندی زمانبر و بسیار گسترده است که فقط با همکاری نهادهایی مانند حوزه، دانشگاه و نظام مدیریت اجرایی و سیاست‌گذاری کشور میسر است.

پی‌نوشت:

۱. استادیار گروه معارف و علوم انسانی دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی‌تکنیک تهران).

امر داشته باشد و هم دانشگاه باید نقش مهمی را ایفا نماید. همین مرحله از چنان اهمیتی برخوردار است که بدون عبور از این مرحله، تمدن شکل نمی‌گیرد. همین امر درباره سایر تمدن‌های شکل گرفته در جامعه اسلامی هم صادق است؛ مثلاً، برای شکل‌گیری و بازسازی تمدن غرب در حدود چهارصد سال قبل، کاروان جدیدی در غرب به راه افتاد و از سویی در فلسفه،

علوم اجتماعی، علوم پایه، و سایر علوم با سرعت و حجم زیاد، علوم بر اساس نگاه غربی تولید شد تا یک منظومه فکری ایجاد شود و از سوی دیگر، این منظومه فکری وارد جامعه و زندگی مردم شد و به تدریج در همه جریان‌های فکری حضور پیدا کرد.

این حضور؛ روح، اساس و پایه اصلی نظامات زندگی بشر تمدن‌ساز شد و از همان زمان، این تفکرات در سخت‌افزار و نرم‌افزار